

اول ماه مه، درس ها وضعف بزرگ جنبش کارگری

سازمان فدائیان (اقلیت)

بیست ششم اردیبهشت هشتاد و هفت

در آستانه اول ماه مه امسال، اقدامات سرگوبگرانه رژیم علیه کارگران پیشرو و فعالان کارگری بیش از پیش تشدید شد. بازداشت ها و احضار های گسترده فعالان کارگری، ارباب کارگرانی که خواستار مجوز راهپیمائی شده بودند و تهدید آشکار، به سرکوب خشن هرگونه مراسم مستقل در اول ماه مه، بیانگر این مسئله بود که رژیم جمهوری اسلامی هیچگونه مراسمی را که بخواد به مناسبت اول ماه مه توسط خود کارگران برگزار شود، تحمل نخواهد کرد. برخورد خسونت آمیز رژیم با گلگشت کارگری که چند سال است در آخرین جمعه قبل از اول ماه مه و به همین مناسبت برگزار می شود و امسال قرار بود روز جمعه ششم اردیبهشت، در پارک چیتگر برگزار شود، نشان از تشدید فضای خفقان و سرکوب و ممانعت از برگزاری هرگونه مراسمی به مناسبت اول ماه مه بود و گفته رهبران سندیکای کارگران شرکت واحد که این سندیکا امسال مراسمی به مناسبت اول ماه مه برگزار نخواهد کرد، نیز، بازتاب و نتیجه همین شرایط.

در بیانیه ها و اطلاعیه هایی که از سوی تشکل ها، کمیته ها و جمع های کارگری به مناسبت اول ماه مه انتشار یافت فراخوانی برای برگزاری مراسم مستقل دیده نمی شد. این بیانیه ها و اطلاعیه ها که در آن ها از جمله به مطالبات کارگران اشاره شده بود، خطابش به کارگران این بود که باید اول ماه مه را برگزار کنیم و صدای خود را به گوش جهانیان برسانیم و اما صحبتی از این که این مراسم چگونه باید برگزار شود و چه نیروئی قرار است آن را برگزار نماید در میان نبود. در یک کلام، مجموعه شرایط حاکی از آن بود که هیچگونه مراسم مستقلی به مناسبت اول ماه مه توسط کمیته ها، تشکل ها و جمع های کارگری در تهران برگزار نخواهد شد!

فعالان کارگری و تشکل های موجود، خود را آماده کرده بودند تا مانند سال گذشته و با حضور فعالان خود در مراسمی که از سوی خانه کارگر برگزار می شود، شعارها و مطالبات واقعی کارگران را به میان توده کارگران ببرند، سطح مطالبات کارگری را ارتقاء دهند و کمک کنند به اینکه خود کارگران، ابتکار عمل را به دست گیرند. در سال های قبل تر از آن نیز کارگران پیشرو و فعالان کارگری به ویژه در تهران، توانسته بودند به نحو نسبتا خوبی از این تاکتیک استفاده نمایند و صرف نظر از این موضوع که، چه جمع ها و تشکل هایی، در کدام اشکال و در چه سطح و کیفیتی مراسم اول ماه مه را به طور مستقل برگزار نموده بودند، اما حضور فعال آن ها در راهپیمائی ها، تظاهرات خیابانی و اجتماعاتی که از سوی خانه کارگر برپا می شد، و بیانگر رویکرد فعالان کارگری و کارگران پیشرو به جمع های وسیع کارگری و توده کارگران به منظور تاثیرگذاری بیشتر و بهتر بر روی کارگران بود، وجه عمده جهت گیری فعالان و تشکل های کارگری را تشکیل می داد و تدریجا به تاکتیک اصلی آنها تبدیل گردید.

در طول یک دهه اخیر، هر جا موقعیت دست داده است، فعالان کارگری و کارگران پیشرو، از این تاکتیک سودجسته اند و مراسم فرمایشی خانه کارگر را، به صحنه واقعی مبارزه کارگری و طرح خواست ها و شعارهای رادیکال کارگری مبدل ساخته اند که از جمله می توان به اجتماع اعتراضی کارگران در برابر اداره کار و امور اجتماعی در

سال ۷۸، اجتماع کارگران در برابر مجلس و سپس راهپیمائی و تظاهرات کارگران، در سال ۸۰، راهپیمائی کارگران در مسیر خیابان مخابراتالدوله تامیدان بهارستان در سال ۸۳، اجتماع کارگران در سالن دوازده هزار نفری مجتمع ورزشی آزادی در سال ۸۴، تجمع و تظاهرات کارگران در میدان فلسطین در سال ۸۵ و بالاخره تظاهرات و راهپیمائی پرشکوه کارگران در خیابان های تهران و اجتماع آن ها در ورزشگاه شیرودی اشاره نمود.

یک دهه، به این نحو سپری شد. وزارت کشور، هر ساله پس از یک جر و بحث ظاهری بر سر مجوز راهپیمائی و برگزاری مراسم توسط خانه کارگر، در حالی که از هرگونه اقدام مستقل کارگری و تظاهرات و راهپیمائی مستقل کارگری به مناسبت اول ماه مه، ممانعت و آن را شدیداً سرکوب می کرد، برای خانه کارگر جواز راهپیمائی و تجمع صادر می نمود. خانه کارگر نیز با وجود آن که در یک همکاری و هماهنگی کامل با ارگان های سرکوب و اطلاعاتی، تمام تلاش خود را برای کنترل شعارها و برای جلوگیری از ایجاد "تشنج" و "ناآرامی" در صفوف کارگران به کار می بست و تضمین می داد که راهپیمائی و تظاهرات کنترل شده ای را برگزار نماید، اما واقعیت ها نشان می داد که این گونه تظاهرات و راهپیمائی ها، هر بار بیشتر از قبل، از کنترل خانه کارگر خارج می شوند. توده های کارگری که به میدان آورده شده بودند تا در چارچوب خواست ها و به روش مطلوب خانه کارگر عمل کنند، بلافاصله به طرح خواست ها و مطالبات رادیکال خویش پرداخته اند. کارگران پیشرو و فعالان کارگری، جریان امور را از دست خانه کارگر خارج ساخته اند، پرچم ها و پلاکاردهای مستقل خویش را برافراشته اند و تلاش خانه کارگر برای محدود ساختن مطالبات کارگری و برای کنترل و مهار اعتراض و مبارزه را به شکست کشانده اند. با مارش کارگری در خیابان های تهران و تسخیر ورزشگاه شیرودی در سال گذشته، این موضوع به اوج خود رسید. کارگران پیشرو و فعالان کارگری همراه با توده کارگران، در اول ماه مه سال ۸۶، توانستند مطالبات کارگری را از جمع های محدود و محیط های بسته بسیار فراتر ببرند و این مطالبات را در مقیاس توده ای به سطح خیابان ها بکشانند.

در کشاکش اول ماه مه، جنبش کارگری هر سال، پرفرازتر و پرخروش تر از سال قبل از آن اظهار وجود می کرد و با پیشرفت های جدید همراه می شد. حضور کارگران پیشرو و فعالان کارگری در اول ماه مه و برافراشتن پلاکاردهای مستقل و طرح شعارهای مستقل و رادیکال در میان توده کارگران، نه فقط موجب ارتقاء سطح آگاهی کارگران می شد، بلکه مراسم اول ماه مه در عمل به ابزار و کانالی برای تسریع سیر تکاملی جنبش طبقاتی کارگران تبدیل شده بود. این تحولات و رویدادها که تماماً به زیان طبقه سرمایه دار حاکم بود، چیزهائی نبودند که از چشم رژیم و عمال خانه کارگری آن پنهان مانده باشند و اگر با سرکوب مستقیم و بی واسطه نتوانسته بودند در این راه مانع ایجاد کنند، برای مقابله با آن، امسال به شیوه دیگری متوسل شدند.

درحالی که وزیرکار رژیم اعلام کرده بود که روز چهارشنبه یازده اردیبهشت روز کارگر است اما از سوی رئیس سازمان کار و امور اجتماعی استان تهران، طی بخش نامه ای که به کارخانه ها ابلاغ گردید، دوازده اردیبهشت روز کارگر اعلام شده بود. بدین طریق دولت، آگاهانه تلاش نمود در میان کارگران سردرگمی ایجاد نماید. از سوی دیگر مراسم خانه کارگر که تصور می شد صبح روز یازده اردیبهشت از برابر خانه کارگر در خیابان ابوریحان آغاز شود، در آخرین لحظات به محل دیگری انتقال یافت. خانه کارگر با هزار و یک اقدام احتیاطی برای آنکه کارگران پیشرو و فعالان کارگری به زمان و محل برگزاری مراسم پی نبرند، مراسم خویش را به بعد از ظهر یازده اردیبهشت و ورزشگاه

"خیر العمل" واقع در پیونک منتقل کرده بود.

کارگران و فعالان کارگری که به محل خانه کارگر می رفتند نه تنها اثری از برگزاری مراسم نمی دیدند، بلکه با انبوه نیروهای انتظامی مواجه می شدند که از قبل، در محل مستقر شده بودند. نیروهای سرکوب انتظامی، مانع تردد کارگران می شدند و بلافاصله افراد را متفرق و از محل دور می ساختند.

آن دسته از کارگران پیشرو و فعالان کارگری که از زمان و محل برگزاری مراسم باخبر شده و توانسته بودند خود را به ورزشگاه "خیر العمل" برسانند، در آنجا نیز با یک جو پلیسی- نظامی بسیار شدیدی روبرو شدند. نیروهای سرکوب اطلاعاتی در یک هماهنگی تنگاتنگ باخانه کارگر و با شناسائی این دسته از کارگران، از جمله اعضای سندیکای شرکت واحد و فعالین کمیته های مختلف کارگری، از ورود آنها جلوگیری به عمل آوردند.

بدین ترتیب، اگر چه فعالین کارگری و تشکل های موجود کارگری، امسال به نحو تدارک یافته تری برای شرکت در مراسمی که باید از سوی خانه کارگر برگزار می شد، خود را آماده کرده بودند، اما رژیم ضد کارگری و خانه کارگر سرسپرده آن به سادگی توانستند تاکتیک فعالان کارگری را خنثا سازند. فعالان کارگری و تشکل های موجود کارگری در عمل نتوانستند هیچگونه مراسمی در تهران به استثنای مورد پارک چیتگر که به پارک جهان نمای کرچ منتقل شد، برگزار نمایند، نه در اشکال محدود و محیط های بسته، و نه در شکل راهپیمائی و تظاهرات خیابانی! این مسئله البته ریشه در یک ضعف بزرگ جنبش کارگری دارد که پائین تر به آن خواهیم پرداخت.

نکته ای که در اینجا باید بر آن تاکید شود این است که به رغم اعلام ممنوعیت برگزاری مراسم مستقل کارگری و به رغم تهدیدات و اقدامات سرکوبگرانه رژیم و خرابکاری عمال آن در خانه کارگر، کارگران و فعالان کارگری از کوشش برای برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه باز نایستادند و در چند مورد از جمله در سقز و سنندج توانستند این مراسم را برگزار نمایند. مهم ترین مراسم مستقل اول ماه مه امسال، مراسمی بود که توسط هزاران کارگر شرکت نیشکر هفت تپه برگزار شد که با قرائت بیانیه کارگران پیرامون اول ماه مه، سخنرانی در مورد تاریخچه اول ماه مه و بحث و گفتگو پیرامون وضعیت و مطالبات کارگران این شرکت همراه بود.

درس های اول ماه مه کدام است؟ ضعف اصلی چیست؟

مهمترین درسی که هر فعال کارگری و کارگر پیشرو از اول ماه مه امسال باید بگیرد، مسئله استفاده از تاکتیک و داشتن نقشه است. حضور فعال در راه پیمائی ها و اجتماعاتی که به مناسبت اول ماه مه از سوی خانه کارگر برگزار می شد، به قصد در دست گرفتن ابتکار عمل، همانطور که تجربه یک دهه اخیر هم نشان داد، سیاست و تاکتیک درستی بود. اول ماه مه امسال اما نشان داد که این سیاست و تاکتیک، نمی بایستی و نباید به تمام سیاست و یگانه تاکتیک ما تبدیل شود و ما را در اتخاذ روش ها و تاکتیک های دیگر برای برگزاری مراسم اول ماه مه دچار غفلت سازد. به ویژه آن که این تاکتیک، اساساً وابسته و تابع شرایط و عواملی است که خارج از اراده ما و در دست رژیم و تشکل به اصطلاح کارگری وابسته به آن می باشد به نحوی که رژیم و خانه کارگر آن با اتخاذ یک اقدام برضد تاکتیک ما، به سادگی می توانند تاکتیک ما را خنثا کنند. بنابراین روشن است که فعالان کارگری و تشکل های کارگری باید نقشه ها و تاکتیک هائی مبرا از قید این تبعیت و وابستگی داشته باشند تا قادر شوند مراسم اول ماه مه را مستقلاً برگزار نمایند.

روشن است که فعالان و تشکل های کارگری از آن روبه اتخاذ این تاکتیک روی آورده اند و کمتر به سراغ مراسم های مستقل با جمع های محدود و کم اثر و یابرگزاری مراسم در محیط های بسته، رفته اند، که نخواستہ اند از توده کارگران جدا بمانند و خواسته اند مراسم اول ماه مه، وسیعاً و در ابعاد توده ای و پراثر برگزار شود. معضل اما این جاست که فعالان و تشکل های موجود، خود، بسیج کننده توده کارگر نبوده اند و نیستند. تاکتیک آنها ناظر بر انتظار بوده است که طرف سوم، یعنی خانه کارگر، توده کارگران را بسیج کند و اجتماع و مراسمی برگزار نماید، تا بعد، نوبت به آن ها برسد که با حضور در این جمع ها و مراسم ها، به طرح شعارها و خواست های رادیکال کارگری بپردازند، ابتکار عمل را به دست گیرند و اوضاع را در سمت بالندگی جنبش طبقاتی کارگران هدایت نمایند.

اول ماه مه امسال اما نشان داد که تاکتیک انتظار، به کلی فاقد کارائی است و چنان چه به هر دلیلی، خانه کارگر، چه از بسیج کارگران و برگزاری اجتماع کارگری منصرف شود و چه دست به چنین اقدامی بزند، اما عامدانه زمان و مکان آن را از فعالان و تشکل های کارگری پنهان نگاه دارد، در هر حال در عمل، دست فعالان کارگری و تشکل های کارگری خالی خواهد ماند. مشکل اساسی و ضعف اصلی، این است که فعالان کارگری، کمیته ها و تشکل های موجود که تاکنون نیز نقش مهم و ارزنده ای در برگزاری مراسم های اول ماه مه داشته اند، فاقد پشتوانه کارگری کافی هستند. بدیهی است که اگر این ضعف بزرگ نمی بود، اگر آن هائی توانستند توده کارگران را بسیج نمایند، دیگر نیازی به طرف سوم نبود و تاکتیک انتظار نیز بکلی منتفی بود.

بنابراین برای غلبه بر این ضعف بزرگ، فعالان کارگری، کمیته ها، جمع ها و تشکل هائی که اساساً برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری فعالیت می کنند، جدی تر و بیشتر از گذشته، باید به سراغ کارگران در محیط های کار و تولید بروند. رابطه خود را با کارگران گسترش دهند و به سازماندهی کارگران در محل کار و تولید یاری رسانند.

اگر برگزاری مراسم های مستقل و توده ای اول ماه مه درگرو بسیج توده کارگران است، بسیج توده کارگران نیز در گرو سازماندهی کارگران در محیط های کار و تولید است.

اگر سازماندهی در محیط های کار و تولید به تاخیر افکنده شود، اگر نتوانیم توده کارگران را بسیج کنیم، مراسم های مستقل اول ماه مه نیز به ظن قوی، به مراسم هائی با جمع های محدود و مراسم های خاص فعالان و پیشروان کارگری تبدیل می شود.

در اول ماه مه امسال، کارگران هفت تپه، الگوی جدیدی را تقدیم جنبش کارگری ساختند. کارگران پیشرو شرکت نیشکر هفت تپه در یک رابطه تنگاتنگ زنده و ارگانیک با توده کارگران، مراسم مستقل اول ماه مه را در ابعاد توده ای برگزار نمودند. اقدام مستقل هزاران کارگر شرکت نیشکر هفت تپه در برگزاری مراسم باشکوه اول ماه مه، محصول آگاهی کارگران و سازماندهی در محیط کار است. در تجربه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، درس های بزرگی نهفته است. از این تجربه باید درس گرفت و آنرا به کار بست.

سازمان فدائیان (اقلیت)

نیمه دوم اردیبهشت ۸۷